پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهل و هشتم) دوشنبه ۲۸ دلو ۱۳۴۷ هـ - ۱۷ فبروری ۱۹۶۹ ع

د پشتونستان او پاکستان د خلکو ستر بری

عبدالولی خان او شاغلی اجمل ختک دنشنل عوامی گوند لار شوونکی له جیل نه خلاص شول. بالاخره دپښتونستان او پاکستان دخلکو دقهرمانی مبارزی په اثر او دافغانستان او د نړی د ټولو خلکو دعامه افکارو د فشار له کبله دفیلد مارشال محمد ایوب خان استبدادی رژیم مجبور شو چه دنشنل عوامی گوند (دخلکو ملی گوند) دلارشونکو او سیاسی بندیانو – دگوند دسکرتر جنرال نائب شاغلی اجمل ختک خوشی کولوته غاړه کیږدی.

پدی کی شک نشته چه دسیاسی بندیانو خلاصون، چه پرته د آزادی دموکراسی او د خودارادیت د حق له غوشتلو نه یی بله گناه لرکه او ددی حبس پخپل وار یو جابرانه عمل و، او همدا راز د دری کلن اضطراری حالت د پای ته رسولو اعلان، پخپله دا حقیقت سرگندوی چه د مارشال محمد ایوب خان لس کلن جابر رژیم د پشتونستان او پاکستان د خلکو د زیاتیدونکی مقاومت او د نړی والو دعامه افکارو د فشار په مقال کی شاتمپیدو او تسلیم ته مجبور شو.

د نشنل عوامی پارتی او نورو مخالفو گوندونو د لارشوونکو خوشی کیدل او په پښتونستان او پاکستان کی د اضطراری حالت د پای ته رسیدو اعلان د پښتونستان او پاکستان دخلکو او دنړی د پاره دسولی، آزادی او دموکراسی نهضت په لیاره کی ستر بری بلل کیږی.

پدی که شک نشته چه دپښتونستان او پاکستان د خلکو دا بری په د آزادی، دموکراسی او استقلال په عرصه کی وراندی یا وروسته نوری کامیابی هم ترلاسه کړی.

مونږ یقین لرو چه د پاکستان حاکمه هیأت، د امپریالیزم دا هواداران به مجبور شی چه په پښتونستان، بلوچستان او ټول پاکستان کی خپل ضد دموکراتیک، ضد آزادی او ضدخپلواکی اعمال پای ته ورسوی او په نتیجه کی به په پاکستان کی دموکراتیک ژوند بیا ژوندی شی، د پښتونستان او بلوچستان ملت به دخپل سرنوشت د ټاکلو حق ترلاسه کړی.

په پای کی دافغانستان د خلک دموکراتیک قوت یوځل بیا د پشتونستان او بلوچستان او پاکستان د خلکو عادلانه مبارزو سره د ملاتر او پیوستون اعلان کوی او دی ته پاملرنه ضروری گنی چه د پښتونستان او پاکستان د نشنل عوامی گوند او نورو ضد استبدادی او ضد استعماری قوتونو د مبارزی وروستی تجربی داوشوده چه گډ عمل او گډه مبارزه کولی شی ارتجاع او امپریالیزم که څه هم ډیر پیاوړی وی شاته وتمبوی.

ښاغلی عبدالولی خان، ښاغلی اجمل ختک او دپښتونستان نور ملی او مترقی وطنپالونکی لارشوونکی او فعالین له هغی ازموینی نه چه ورسره مخامخ شوی وو په لوړ سر او افتخار تیر شول.

د افغانستان د خلک دموکراتیک قوت له جیل نه دښاغلی عبدالولی خان او ښاغلی اجمل ختک د خلاصون په مناسبت، دپښتونستان ستر ملی مشر خان عبدالغفارخان او د دوی دسنگر ملگرو ته دزړه له کومی مبارکی وایی او خپل تاوده درودونه دپښتونستان خلکو او دازادی، دموکراسی او استقلال دلاری دی د مبارزانو ته وراندی کوی او دهغوی دنویو بریو هیله کوی.

م. ا. خیبر

ببرك كارمل

وظایف جوانان ما

قهرمانی‌های جوانان ما در جنگ عادلانه علیه امپریالیزم انگلیس در مبارزه علیه ترور و اختناق بعد از دهه اول استقلال، در راه تأمین مشروطیت، در راه آزادی و دموکراسی در نهضت چهار سال اخیر کشور، در روز خونین سه عقرب (که آن را به‌حق می‌توان روز جوانان افغانستان اعلان نمود.) و غیره ثبت تاریخ مبارزات نجات بخش کشور ماست.

مجموع مبارزات مردم ما در نیم قرن اخیر که جوانان سهم فعال در آن داشتند، نشان دهنده این حقیقت است که جنبش دموکراتیك ملی ضد امپریالیستی و فیودالی ما در جهت تحول کیفی خود رشد میابد. اکنون جنبش افغانستان علیرغم مقاومت وحشیانه ارتجاع در کشور و با وصف شکست‌ها و مأیوسی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و نفاق‌ها در میان جوانان، به‌سوی پیروزی گام برمی‌دارد.

معهذا سؤالی مطرح بحث قرار می‌گیرد که آیا جوانان ما به خاطر به پیروزی رساندن جنبش افغانستان به وظایف اساسی خود، طبق موازین و قواعد اخلاق مترقی کاملاً آگاهند؟

پاسخ درست به این سوال ما را در موضع طرح وظایف اساسی و عمومی جوانان کشور ما قرار می‌دهد.

وظایف اساسی جوانان ما.

یکی از پست‌ترین شیوه‌های سیاست داخلی هیأت حاکمه ارتجاعی افغانستان همانا سیاست فاسد ساختن جوانان نجیب و شجاع افغانستان، به طریق و وسایل مختلف است. عمال اجنبی با دستیاری ارتجاع سیاه کشور با استفاده از زرادخانه سیاسی و ایدئولوژیك امپریالیزم و سؤاستفاده از احساسات و معتقدات مردم و از طریق پخش اندیشه‌های خرافی و افترا آمیز به ایدیولوژی مترقی و پیشرو، ابلیس مآبانه تلاش می‌ورزند تا افکار پاك جوانان ما را مسموم و آن‌ها را دچار گمراهی سازند و از اشاعه دانش نوین و جهان بینی علمی جلو گیری نمایند.

لذا و وظایف جوانان از این لحاظ طرح می‌گردد، و باید بگوییم عمده‌ترین وظایف جوانان ما و سازمان‌های جوانان، (که هر چه زودتر و مقدم‌تر باید تشکیل گردد.) عبارت است از آموزش نوین و فراگرفتن تئوری علمی و انقلابی زحمتکشان و تحدید تربیت آنان، توأم با زندگی علمی و مبارزه.

وظیفه جوانان ماست که در برابر سیستم تعلیم و تربیت ملاکی و بیروکراتیك موجود کشور عکس‌العمل جدی نشان دهند. زیرا غالب جوانان را طوری بار میاورد که برای بقای طبقه حاکمه ارتجاعی و نفوذ امپریالیزم خدمت نمایند. جوانان باید تشخیص دهند که فقط بر اساس معلومات معاصر و نوین مترقی است که می‌توان قادر به ایجاد جامعه نوین و مترقی شد، نه بر مبنای قبول یك مشت افکار کهنه و مسموم کننده این و

(ص ۲)

سلسله اعترافات صدر اعظم و وزرای افغانستان:

وزیر مالیه و نظام مالیاتی در کشور ما

(از بیانیه شاغلی ضیایی وزیر مالیه جشن استقلال کشور)

وزیر مالیه: مالیه اراضی که یک منبع عواید عنعنوی است در سال ۱۲۹۹ به نرخ همان سال از جنسی به نقدی تسعیر و در ظرف پنجاه سال گذشته تنها یک مرتبه در سال ۱۳۴۴ به تسعیر آن تجدید نظر شده...

محصول مواشی به حیث یک منبع عواید مستقیم بعد از تحول از نوع جنس به نقد تا سال ۱۳۳۵ به یک اساسی و بعد با تجدید نظر تحصیل و اخیراً در سال ۱۳۴۵ از قلم عواید دولت فعلاً حذف شده تلقی می‌گردد.

پرچم: با ملاحظه این واقعیت تلخ که بیانیه شاغلی وزیر مالیه به‌صراحت موجود است. به‌جز اینکه زهرخندی تحویل مقامات حاکمه کشور داد. دیگر چه می‌توان کرد.

انتقاد شدید بر چنین پالیسی مالی نمی‌تواند حق مطلب را ادا نماید. تعجب آور است که وزیر مالیه کشور خود می‌گوید که فقط در سال ۱۲۹۹ مالیه اراضی به نرخ همان وقت از جنسی به نقدی تبدیل می‌گردد و نرخ تسعیر تا پنجاه سال دیگر همچنان باقی می‌ماند، در حالی که در این مدت قیمت‌ها بیشتر از ده مرتبه ارتقاء می‌نماید، ملاکان بزرگ ملیون‌ها ثروت می‌اندوزند و ده تغیر دیگر واقع می‌گردد.

شاغلی وزیر مالیه ناگزیر است اعتراف نماید که نظام مالیاتی کشور و بخصوص مالیه اراضی یکی از ابتدایی، فرسوده‌ترین و بی‌کفایت‌ترین سیستم مالیاتی در جهان است، اما نمی‌خواهد که به جرأت این انتقاد را بر خود و حکومت سابق وارد آورد که چرا در مورد تنظیم و تدوین یک سیستم دموکراتیک مالیاتی، متناسب به زمان و منافع مردم گامی نبر داشته است. پاسخ روشن است، بر اینکه انجام چنین امری به منافع سرشار ملاکین بزرگ اراضی که خود از ایشان نمایندگی می‌کنند، لطمه وارد میاورد همه می‌دانند که میزان مالیات مستقیم و بخصوص مالیات اراضی در عواید دولت جز کوچکی را تشکیل می‌دهد. از این مقدار هم اولاً قسمت بیشتر را دهقانان کم زمین و اجاره داران با تحمل مشکلات فراوان می‌پردازند و ملاکین بزرگ از تأدیه آن گریز می‌نمایند و ثانیاً قسمت کوچکی را که ملاکین بزرگ هم بپردازند در آخرین تحلیل از کیسه و حاصل دسترنج دهقانان بی‌زمین و کم زمین برداشت می‌گردد.

مالیات مواشی که به شیوه عهد عمیق و خیلی ناقص تحت عناوین و اسم‌های گوناگون در دوره‌های مختلف به حیث یک منبع عواید مستقیم جمع آوری می‌گردد، از یکطرف مالداران بزرگ از پرداخت با حیله گوناگونی خود را معاف می‌ساختند و از سوی دیگر وسیله آزار دهنده بنام هست و بود برای دهقانان و زحمتکشان و

(ص ۲)

بانک جهانی از کشور

بینوای ما چه می‌خواهد!

در هفته گذشته هیأت اقتصادی چهار نفری بانک جهانی «بانک بین‌المللی برای عمران مجدد انکشاف» طبق خبر ارگان‌های نشراتی دولتی، غرض مطالعه وضع فعلی کشور بخصوص پلان پنج ساله سوم و بیلانس تادیات و امکانات «کمک» آن بانک و مؤسسات اختصاصی آن در سال‌های آینده جهت «انکشاف اقتصادی کشور» وارد افغانستان گردید.

ورود این هیأت پس از مسافرت چند ماه قبل رابرت مکناما را سابق وزیر دفاع امریکا و از اپریل سال گذشته به این‌طرف ریس بانک بین‌المللی، به افغانستان شاید نشانه امیدواری این بانک در زمینه پدید آمدن تغییراتی در سیاست اقتصادی حکومات افغانستان از طرح پلان سوم به این‌طرف باشد.

بهر صورت این امر نشان می‌دهد که مطالعه وضع اقتصادی کشور مورد دلچسپی بانک بین‌المللی واقع شده است.

طبق معمول بانک بین‌المللی قبل اعطای قرضیه، موقف اقتصادی کشور درخواست کننده را به دقت کامل مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد و اطلاعات گوناگون اقتصادی را جمع آوری می‌کند. تجربه نشان داده است که این بانک معمولاً به کشورهای کریدت می‌دهد که پالیسی اقتصادی مبنی بر «پرنسیپ‌های تشبثات خصوصی و راه سرمایه داری» را تعقیب نماید. «اگر در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، بانک کمک‌های خود را به کشورهای عضو در امر احیای اقتصادی آن‌ها به‌مثابه سرپوش جهت حمایه رژیم‌های ضد ملی در اروپای غربی از طریق

(ص ۴)

بارق شفیعی

شرایط زندگی و کار معلمان فدا کار

کشور طاقت فرساست!

شرایط زندگی و کار صنوف مختلف روشنفکران اعم از دکتوران مهندسان، هنرمندان، دانشمندان، مأموران پایین رتبه و خاصه معلمان کشور روز تا روز رقت انگیز تر و طاقت‌فرساتر می‌شود. درامد فوق‌العاده ناچیز و بلند رفتن سرسام آور قیمت‌ها، اورگی و بی‌سرپناهی و اشتهای سیری ناپذیر صاحبان منازل و آپارتمان‌های کرایی و هجوم امراض گوناگون و فقدان وسایل تداوی، فقر غذای و کار مداوم دماغی، عدم وسایل انکشاف سویه علمی و مسلکی و فقدان تشویق‌های لازم درین زمینه، وجود تبعیضات گوناگون مذهبی، نژادی، لسانی، محلی ... و سایر ملاحظات ضد قانونی و ضد عدالت اجتماعی که از طرف اولیای امور اجتماعی و انسانی اصناف روشنفکر از آن کار گرفته می‌شود، همه و همه دست به دست هم داده پنجه‌های بی‌رحم و کشنده خویش را به گلوی صنوف مختلف روشنفکران کشور بلا کشیده ما فرو می‌برند.

ولی نتنها هیچ مقام مسؤولی نیست که در برابر این‌همه مشکلات حوصله شکن، به‌عنوان حمایت از این گروه زحمتکش دست بکار شود و گرهی از کار ایشان بگشاید، بلکه هر روز نسبت بروز دیگر عقده‌یی بر عقده‌های آن‌ها می‌افزاید و حتی حقوق مسلم قانونی آنان را بی‌رحمانه زیر پا می‌گذارند. ازجمله بیاید باری هم برخی از مشکلات صنفی از روشنفکران، که وظیفه بزرگ آموزش و پرورش کودکان و جوانان ما را در این مرحله اساس به عهده دارند، یعنی معلمان کشور توجه کنیم. بخصوص آن عده از معلمان فدا کاری که دور از یار و دیار و خانه و فامیل خویش در اطراف و اکناف دوردست وطن عزیز مشغول عرق ریزی و خدمت گذاری‌اند، اخیراً با تنی چند از نمایندگان این گروه زحمتکش تماسی صورت گرفت، دفتری از شکایات و فهرستی از مشکلات خویش عرضه کردند که روش مطالب آن چنین است:

ـ معاش معلمان ولایات اکثر بعد از دو الی سه ماه اجرا می‌شود. آنان مجبور اند هزینه زندگی خود را در این مدت و در عالم مسافری و ناشناسی با قبول صدها ابرو ریزی از این و آن تدارک کنند.

ـ نه از معاش منطقوی (مانند سایر مأموران وزارت خانه‌ها) برخوردارند

(ص ۳)

اعلامیهٔ سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

به مناسبت اعمال وحشیانه اخیر اسرائیل علیه دختران عرب در غزه

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، جنایات امپریالیزم و درندگان اسرائیلی آن را، در برابر مردمان صلح‌دوست مناطق عربی تحت اشغال با نفرت و غضب می‌بیند.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان اعمال وحشیانه آشکارا و ضد انسانی صهیونیان را در مقابل تظاهرات وطن‌پرستانه و مسالمت‌آمیز متعلمات غزه که در اثر آن (۹۰) تن از آنان به خاک و خون کشیده شدند، شدیداً نکوهش می‌کند.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، در حالی که همبستگی و پشتیبانی و همدردی همه‌جانبه و صمیمی خود را، با مبارزه عادلانه خلق‌های کشورهای عربی علیه متجاوزین اعلام می‌دارد، نمی‌تواند از نفرین بر آدمکشان اشغالگر امپریالیزم، خاصتاً در برابر این جنایات نابخشودنی آن، خودداری نماید.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، دوشادوش کلیه سازمان‌های دموکراتیک جهان - کارگران، زنان، جوانان و همه نیروهای صلح‌دوست و مترقی جهان - همبستگی و همدردی عمیق خود را به فدراسیون تمام زنان عرب اظهار می‌دارد و حاضر است در صورت تقاضای زنان وطن‌پرست و مبارز عرب، در پهلوی خواهران و برادران عرب خود، به خاطر تحقق اهداف عادلانه‌شان علیه تجاوز و متجاوزین مادتاً و معناً سهم بگیرد.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، اعتراض شدید خود را علیه گلوله باری اشغالگران اسرائیل به تظاهرات متعلمات غزه اعلام می‌دارد و از کلیه سازمان‌ها، نیروها و افراد صلح‌دوست جهان تقاضا می‌کند که صدای لرزاننده و طوفان‌خیز اعتراض‌شان را در برابر اعمال وحشیانه و ضد انسانی مقامات اسرائیل بلند نمایند و اجازه ندهند که اسرائیل و حامیان آن امپریالیزم، بیشتر از این با وحشیگری‌ها و آتش‌افروزی‌های خود وجدان بشریت را جریحه‌دار سازند.

تقاضای ما و کلیه مردم جهان اینست که مقامات حاکمه اسرائیل هر چه زودتر به اعمال غیرانسانی و جنایتکارانه خود خاتمه دهد و فیصله‌نامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت ملل متحد را بدون وقفه تطبیق و اجرا نماید.

(به نمایندگی از سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و کمیته زنان نیروی دموکراتیک خلق افغانستان).

دوکتورس اناهیتا راتبزاد (وکیل شورای ملی – ولسی‌جرگه – افغانستان).

یادداشت: مضمون فوق به‌مثابه نامه همدردی و همبستگی عنوانی سهیر الکلاماوی، رئیس فدراسیون کل زنان عرب (قاهره جمهوریت متحد عرب) نیز ارسال گردیده است.

چاپ کنید پرچم مبارزه را بیشتر گسترش دهید

به سلسله لغات و اصطلاحات سیاسی

در باره حزب و مفهوم آن

آزادی بحث و وحدت عمل

-۳-

بحث و مشاوره آزاد و وسیع بر مسایل اساسی و اتخاذ تصامیم به‌صورت دسته جمعی یکی از مهم‌ترین میتودهای کار حزبی را تشکیل می‌دهد و این امریست لازمی برای جمع بندی تجارب حاصله و آشکار ساختن نقایص، تا اینکه اعضای حزبی بر صحت فیصله‌ها و تصاویب حاصل کنند.

دموکراسی داخل حزبی:

یعنی اجرای دقیق و پیگیر اصول مرکزیت ـ دموکراتیک. دموکراسی داخل حزب یعنی انتخابی بودن کلیه ارگان‌های رهبری حزب از پایان تا بالا، کار جمعی در همه این ارگان‌ها، دادن گزارش در مقابل سازمان‌های حزبی بر اساس فعالیت خودشان، استفاده از اصل انتقاد و انتقاد از خود در داخل حزب حق هر فرد حزبی است که در بحث آزاد، خلاق و سازنده در باره مسایل مختلف حزبی فعالانه شرکت نماید. دموکراسی حزبی فعالیت خلاقه اعضای حزب را برای تحکیم وحدت اصولی و انضباط آگاهانه حزبی ممکن می‌سازد. طرز اجرای دموکراسی حزبی طبق موازینی که در اساسنامه حزب پی ریزی می‌شود، تطبیق می‌گردد.

هر بحث متضمن انتقاد می‌باشند، انتقاد به‌منظور آشکار کردن نقایص جستجو ریشه‌های آن و ارایه پیشنهادات برای برطرف کردن آن‌ها.

انتقاد و انتقاد از خود:

به‌وسیله انتقاد و انتقاد از خود که اسلوب اساسیی بردن به اشتباهات و کمبودها در فعالیت حزب، و جلوگیری از تکرار آن‌ها می‌باشد، وحدت حزب تأمین می‌گردد. انتقاد و انتقاد از خود، وسیله مهم برای شرکت اعضای حزب در باره تعین سیاست و خط مشی حزب می‌باشد. احترام به این اصل و اجرای دقیق آن دلیل زنده بودن و تحرک سازمان‌ها و ثمره آن تقویت و تحکیم این سازمان‌هاست. مراعات این اصل از نظر تأمین تجربیات علنی کردن اصول جهان بینی علمی در پرتو واقعات مشخص و شرایط نوین، نیز اهمیت خاص دارد؛ زیرا بدون تبادل آرا و بدون برخورد نظرات و انتقاد آزاد چنین پیشرفت امکان پذیر نیست. اجرای این اصل مانع ادامه اشتباهات و نواقص می‌گردد.

چنین انتقادی به پیشرفت کار و پرورش صحیح اعضای کمک می‌رساند؛ اما حزب همیشه بین انتقادی که فقط به خاطر انتقاد صورت می‌گیرد و به عیب جوی محض مبدل می‌شود، فرق می‌گذارد. حزب در عین حالی که آزادی انتقاد را تأمین می‌نماید، از آن‌هایی که آن را نقض کنند سخت باز خواست می‌نمایند و به هیچکس اجازه نمی‌دهد که این آزادی را به‌منظور تضعیف صفوف آن بکار برد.

بس سؤالی به وجود می‌آید که خط فاصل میان انتقاد سالم کدام است؟ مرامنامه حزب، فیصله‌های حزبی و اساسنامه آن، این خط فاصل را تعین می‌نماید. هنگامی‌که حزب برای اعضای خود حقوق وسیعی را قایل می‌گردد، در عین زمان طبعاً از ایشان می‌خواهد که به مرامنامه، اهداف و آرمان‌های آن وفادار باشند. حزب دفاع از نظرات ضد حزبی را به هیچ وجه تحمل کرده نمی‌تواند و آن را منافی با عضویت در حزب می‌داند.

باز هم سؤالی طرح می‌گردد که آیا در این صورت دموکراسی حزبی تضعیف نمی‌شود و تخطی از آزادی بیان اعضای حزبی نمی‌باشد؟ نه، به هیچ وجه، زیرا هریک از اعضا بدون هیچ مانع آزاد است که هر چه می‌خواهد بنویسد و بگوید، اما هر انجمنی از داوطلبان (به شمول یک حزب) هم آزاد است تا اعضای را که نام حزب را به‌منظور دفاع از نظرات ضد حزبی استعمال می‌کنند، از صفوف خود اخراج نماید...

حزب سازمانی است مبتنی بر اشتراک داوطلبانه و هرگاه خود از وجود اشخاصی که مدعی نظرات ضد حزبی‌اند، پاک نسازد. ابتدا از لحاظ ایدیولوژیکی و سپس از نظر فزیکی (جسماً) خورد و منحل خواهد شد.

انضباط حزبی:

قبل از آنکه تصمیمی اتخاذ گردد، ممکن است نظرات مختلفی اتخاذ گردیده و نقاط نظر مختلف باهم برخورد نماید، اما پس از اتخاذ تصمیم، تمام اعضای حزب باید مانند یک شخص واحد عمل کنند و این جوهر انضباط حزبی است که مستلزم انست تا اقلیت از اکثریت تبعیت نمایند و تصامیم حزبی را تمام اعضا پذیرفته در محل اجرا بگذارند.

انضباط موجب تحکیم سازمان می‌گردد، اما انضباط باید آگاهانه باشد؛ زیرا بدون آن شرکت فعال افراد در مبارزات پر از محرومیت اجتماعی میسر نیست. تأمین انضباط یک امر جدا و مجرد از تمام حیات سازمان، هدف‌های آن، شیوه رهبری سازمان و غیره نیست، بلکه یکی از شرایط اساسی حفظ انضباط آگاهانه در یک سازمان انقلابی و مسأله مرکزی و حیاتی است. بدون انضباط حزبی، حزب وجود خارجی ندارد و قدرت پیکار جوی آن به صفر می‌رسد.

انضباط حزبی یعنی اجرای دقیق و پیگیر موازین حزبی که درج اساسنامه است و انجام وظایف که متوجه هر فرد و سازمان حزبی می‌گردد و اجرای مرامنامه، اساسنامه و مصوبات حزبی و کوشش برای تحقیق بخشیدن به تصوییات حزب و مبارزه برای رسیدن به هدف و آرمان‌های آن.

انضباط دقیق حزبی شرایط استحکام حزب و وحدت اراده و عمل به هیچ صورت به معنی آن نیست که تفاوت نظر در حزب موجود شده نمی‌تواند، اگر چنین می‌بود حزب از یک سازمان زنده به یک سازمان بی‌جان مبدل می‌گردید. نقاط نظر مختلف و تفاوت‌ها در مورد مسایل مشخص در کار روزانه ممکن است بروز نماید که این امری کاملن طبیعی است. انضباط حزبی از هیچ کس نمی‌خواهد که عقیده خود را ترک نمایند، هرگاه این عقاید مغایر با اصول جهان بینی نباشد؛ اما حزب هریک از اعضای خود را مکلف و مجبور به اطاعت از فیصله‌های مصوبه و تطبیق آگاهانه و مؤثر آن (حتی اگر با آن‌ها موافق نباشد یا فیصله دیگر را پیشنهاد کرده باشد) می‌نماید.

همچنین انضباط حزبی ایجاب می‌نماید که عناصر ترقی‌خواه پیشرو دوران حزبی را، خارج از حزب مورد بحث قرار ندهند. تمام معیارهای حیات حزبی از تجارب جنبش طبقه کارگر به دست آمده است و به‌وضوح به اثبات رسیده که بدون انضباط آهنین، حزب طبقه کارگر به یک سازمان بی‌نظم مبدل گردد که قادر به رهبری مبارزه خلق کارگر بوده نمی‌تواند.

حزب در برابر آن‌هایی که از فیصله‌ها و تصاویب حزبی اطاعت نمی‌نمایند دارای مقررات سخت و دقیق می‌باشد. حالاتی در احزاب مترقی به مشاهده رسیده است، افرادی که با مشی حزب موافقت نداشته‌اند، دسته‌های خاصی را به وجود آورده‌اند. چنین دسته‌های مخالف اکثریت حزبی، گروه‌های توطئه گراند. اما برای احزاب طراز نوین سازمان‌های مبارز و فعالی تحمل گروه‌های توطئه گر در داخل حزب به معنی ترک وحدت ایدئولوژیکی و رهبری مبارزه می‌باشد. به همین جهت تشکیل چنین گروه بندی‌ها در داخل حزب با تقاضای مبنی بر قایل شدن بعضی انواع حقوق خاص به اقلیت، مغایر ایجابات انضباط حزبی است.

البته آن حزب طراز نوین پیشاهنگ طبقه کارگر که رهبری آن سیاست خلاق مبتنی بر اصول مترقی را مری می‌دارد. پس تمام اعضا و کارگران که دارای شعور طبقاتی‌اند باید درک نمایند که هرگونه گروه بندی خاص در داخل حزب که به‌طور اجتناب ناپذیر تأثیر مجاهدات هماهنگ را خنثی خواهد ساخت، زیان و لطمه بزرگی به وحدت حزب وارد خواهد کرد و باید از تمام امکانات برای از بین بردن توطئه‌های چنین گروه‌ها استفاده به عمل آید.

اوتوریته:

آیا اوتوریته فردی و جمعی در حزب لازم است؟ بدون تردید! بدون اوتوریته فردی رهبران و جمعی ارگان‌ها حل مسایل سازمانی و مبارزه با دشواری انجام می‌گیرد.

اوتوریته کار را تسهیل می‌کند، ولی اوتوریته باید طبیعی باشد نه مصنوعی، مبنی بر قبول داوطلبانه باشد، نه بر ارعاب و تحمیل.

این بدان معنی نیست که در اطراف افراد و ارگان‌های واقعاً با اوتوریته هیچگونه تبلیغ برای تعمیق این اوتوریته انجام گیرد، ولی این بدان معناست که نباید تنها از طریق تبلیغ برای ایجاد اوتوریته کوشید.

* * *

معهذا در احزاب طراز نوین پیشاهنگ طبقه کارگر دموکراسی وسیع با رهبری متمرکز و با اوتوریته و بحث آزاد با انضباط آهنین و وحدت عمل توأم گردیده است. دموکراسی بدون رهبری متمرکز حزب را به یک اجتماع جدل و بحث تبدیل می‌کند.

سنترالیزم بدون دموکراسی باعث پیدایش بیروکراسی در حزب می‌گردد. از سوی دیگر تلقین صحیح دموکراسی و سنترالیزم موجب تکامل وسیع فعالیت، ابتکار در حزب و ایجاد رهبری نیرومند، که دارای اهمیت فوق‌العاده در مبارزات سیاسی است، می‌گردد.

هر حزب طراز نوین پیشاهنگ طبقه کارگر یک ارگانیزم زنده است که تکامل می‌نماید و اشکال فعالیت خود را تکمیل و اصلاح می‌کند. اصل اخلاق سنترالیزم دموکراتیک، احزاب طراز نوین طبقه کارگر را قادر بدان می‌سازد که کار خود را به طور انعطاف پذیر پلان کنند، مختصات جامعه را در نظر گیرند و با پرابلم‌های که مواجه می‌گردند، به‌درستی برخورد نمایند. (پایان)

از (ص اول)

وظایف جوانان ما

آن نماینده ارتجاعی داخلی و بین‌المللی، این و آن تعلیم و تربیت ملاکی استعماری، این و آن ارگان تبلیغاتي دست راستی ارتجاع و دستوری امپریال ستی و غیره.

باید جوانان ما درك كنند كه تعلیمات مجرد و معلومات جامد غالباً ارتجاعی موجود كشور كه روح طبقاتی سراپای آن را فرا گرفته است، قسمت اعظم مطالب آن به منافع مرتجع‌ترین طبقات و قشرهای جامعه ما انطباق می‌كند و در حقیقت حامی منافع استثمار گران و ستمگران كشور است.

وظیفه جوانان ماست كه بتوانند از معلومات موجود در كشور، آنچه را كه مفید است و برای تقویه تئوری انقلابی و علمی ضرورت است، فرا گیرند؛ و آنچه را كه بد و ضد نجات خلق افغانستان از یوغ ستم و استثمار است، رد و افشا نمایند و ذهن خود را كه انباشته از معلومات غیر لازم و جامد ارتجاعی است پاك سازند؛ و طبقه جوانان ماست كه خود را برای خدمتگزاری زحمتكشان اعم از كارگران و دهقانان تجدید تربیت نمایند و در حالی كه در برابر ارتجاع و بی‌عدالتی احساس كین و نفرت داشته باشند در شرایط كنونی، جنبش سرنگون ساختن فیوداليزم و طرد نفوذ امپریالیزم را از كشور وظیفه عمده خود قرار دهند. از بورژوازی انتقاد كنند و آن را فلج سازند و احساس و شعور مبارزه را در توده‌ها نسبت به دشمنان خلق احیا و تشدید نمایند.

اینست وظیفه جوانان ما در شرایط كنونی كه باید پیشاهنگان مبارزه باشند و توده‌های مردم را نیز به‌سوی مبارزه جلب نمایند و مبین منافع آنان باشند.

تشخیص این وظایف عمده و اجرای آن‌ها مستلزم آنست كه جوانان ما اخلاق نوین و مترقی را كسب نمایند.

وظایف جوانان ما بر مبنای اخلاق نوین و مترقی:

اخلاق همراه با جامعه بشری پدید آمد، اخلاق یا آداب و رسوم مجموعه موازین و قواعد روشن انسان‌ها در جامعه است. اخلاق كه خصلت طبقاتی دارد، نظریات انسان‌ها را در باره عدالت و بی‌عدالتی، نیكی و بدی، شرافت و بی‌شرافتی و غیره مشخص می‌سازد.

در جامعه كه به طبقات متخاصم تقسیم شده، در پهلوی اخلاق مسلط طبقه حاكمه (استثمار گران)، اخلاق استثمار شوندگان نیز وجود دارد.

هم اكنون در جهان اعم از كشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و كشورهای آسیایی، افریقای، امریكایی لاتین اخلاق فیوداليی و بورژوازی در برابر اخلاق توده‌های عظیم خلق و بخصوص كارگران قرار دارد. به‌طور كلی امروز در جامعه ما دو نوع اخلاق در برابر هم در مبارزه‌اند، اخلاق مسلط طبقه حاكمه ارتجاعی و اخلاق نوین و مترقی.

سخنگویان و مدافعین امپریالیزم در كشور هر روز نعره می‌زنند و عربده می‌كشند كه عناصر مترقی اخلاق و معنویات ندارند و سوسیالیزم علمی مخالف اخلاق است. این تبلیغات زهرآگینی است كه از فردای روز تحصیل استقلال تا كنون مرتجعین و جواسیس انگلیس، امریكا و پاكستان در عباها و قباهای دراز و نقاب‌های سیاه و فریبنده آن را نشخوار می‌كنند.

با كمال جرأت و صراحت میگویم كه اخلاق و معنویات ما كاملاً تابع مبارزه طبقاتی زحمتكشان است و منافع آنان است، و وظیفه جوانان ما در شرایط كنونی آنست كه هر گونه منافع را تابع این مبارزه نمایند.

به این معنی معنویات و اخلاق نوین و مترقی جوانان ما عبارت است از انهدام شرایط كهنه ستمگر و استثمار گر و اتحاد با كلیه زحمتكشان كشور در پیرامون طبقه كارگر جوان و سازمان طراز نوین سیاسی و پیشاهنگ آن.

باید در نظر داشت كه هرگاه جوانان افغان خود را از زنجیر نظرات و عادات كهن آزاد نسازد، معنی آن این خواهد بود كه یا خود را مورد غارت طبقه حاكمه قرار دهد و یا وسیله غارت خلق قرار گیرد و بگوید كه " من " چرا خود را وقف خلق سازم. چرا من با همدستی صاحبان قدرت، بورژوا و بیروكرات نشوم و در صدد سود برای خود نباشم. این اخلاق معامله گران و سود پرستان است.

اخلاق ارتجاعی بورژوای روی استثمار استوار است و معیار این اخلاق را سود شخصی تعین می‌كند كه دارندگان چنین اخلاق برای تحصیل منفعت، تمام موازین اخلاقی انسانی را زیر پا می‌گذارند و منافع شخصی را مافوق همه چیز قرار می‌دهند و میگویند: " انسان گرگ انسان است" ملاك همه چیز پول است. اخلاق بورژوای عشق، شرافت و وجدان را مورد خرید و فروش قرار می‌دهد.

اما وظیفه جوانان پیشتاز و پیشرو اینست كه اصول معنویات اخلاق مترقی و نوین و انقلابی را در خود پرورش داده و آن را رهنمای عمل خود قرار دهند. این وظیفه را جواناني كه از نزدیك دیده‌اند كه پدران و مادران شان چگونه تحت استثمار و ستم اربابان فیودال و متنفذین قرار دارند، بهتر و سریعتر درك می‌كنند. ما به‌صراحت اعلام می‌داریم كه مترقی‌ترین، انسانی‌ترین و اصیل‌ترین اخلاق در جهان آن اخلاقیست كه مبین منافع اكثریت قریب به‌اتفاق اعضای جامعه باشد، نه بیان كننده منافع مشتی از ستمگران و استثمارگران در جامعه.

در این روزها با آن دار و دسته "مهم" اجنت‌های انگلیس سر بر افراشته‌اند و فتنه‌انگیزانه تلاش می‌ورزند شبوه سیاه اسلاف خود و به دستور اربابان جدید خود اخلاق نوین و مترقی را با لكه دار كردن سوسیالیزم علمی در افكار خلق نجیب افغانستان منقلب سازند، در حالی كه اخلاق مترقی و نوین مظهر آن قواید اخلاقی است كه توده‌های خلق ملل جهان در مبارزه با استثمار گران و ستمگران و در مبارزه با مفاسد اخلاقی مسلط طبقه حاكمه به دست آوردند، بخصوص اخلاق طبقه كارگر كه مترقی‌ترین طبقه جامعه معاصر است، در تكامل و رشد اخلاق جامعه نقش عظیمی دارد. در ماهیت امر این زحمتكشان‌اند كه می‌كوشند تا اصیل‌ترین قواید انسانی حیات را بر مبنای روابط دوستی، برادری، رفاقت و همكاری و كمك متقابل انسان‌های آزاد از یوغ استثمار انسان از انسان استقرار بخشند.

تئوری علمی زحمتكشان با در اصول طبقاتی استثمار و در برابر نظریات و عادات انحرافی و خودپرستانه جهان كهنه اصول اخلاق پیشرو یعنی عادلانه‌ترین و شریف‌ترین اخلاقیات را قرار می‌دهند كه انعكاس دهنده منافع و آرمان‌های كلیه جامعه بشریت زحمتكش است.

خلاصه اینكه: وظیفه عالیه جوانان كشور ماست كه اصول و موازین و قواید اخلاق مترقی و وطن‌پرستانه نوین زیرین را كه بر مبنای جهان بینی علمی تنظیم گردیده است، به‌مثابه جوهر شخصیت خود در خویشتن رشد و پرورش دهند.

-وفاداری به آرمان‌های پیشرو زحمتكشان.

-احساس مسؤولیت در برابر خلق، خدمت به خلق، تواضع در برابر خلق، اندیشیدن به رنج‌ها و منافع اكثریت عظیم خلق و مبارزه در راه آزادی خلق.

-عشق به وطن دفاع از استقلال ملی، مبارزه در راه ایجاد نظام مترقی و نوین اجتماعی و اعمار وطن.

-دفاع از صلح، آزادی ملل و دموكراسی.

-آشتی ناپذیری با دشمنان خلق و وطن، طبقات ستمگر و استثمارگر، با استبداد و ارتجاع، با استثمار و ستم ملی، با خصومت نژادی و ملی، با جنگ، استعمار و امپریالیزم.

-تقدیم مصالحه جامعه، نسبت به مصالحه فردی و شخصی.

-صفای معنوی، سادگی و فروتنی در حیات شخصی و اجتماعی، تقوی صداقت و پرورش عنصر زحمتكشی، انضباط و دلیری در خود.

-احترام به جامعه، خانواده و انسان زحمتكش و مترقی و سعی در پرورش كودكان.

-مبارزه علیه بی‌عدالتی و مفتخوری، جاه طبی و خود خواهی، حرس و از و ترس، تجاوز به منافع اجتماعی و ملی و عدول از شرافت.

در خاتمه: این وظیفه جوانان است كه اخلاق مترقی نوین فورمولبندی شده فوق را در خود پرورش دهند و كوشش كنند با مظاهر ایدیولوژی و اخلاق فیودالی و بورژوازی، با روحیه مالكیت ستمگرانه و استثمار گرانه خصوصی، دلیرانه و پرشور مبارزه كنند.

وظیفه جوانان دلیر و نجیب افغانستان است كه با الهام از نیاكان قهرمان خود و تمام قهرمانان بشریت مترقی در سمت رهایی خلق افغانستان، به خود جرأت پیكار بی‌امان دهند، از دشواری‌ها نهراسند و قدم به قدم، موج به موج پیشروی كنند.

تنها به‌وسیله پرورش معنویات شجاعت اخلاقی در خود است كه تمام اهریمنان افعی صفت از جامعه محو و نابود خواهد گشت. ظلمت و تاریكی به‌زودی از جامعه ما رخت بر خواهد بست و خورشید سعادت و اخلاق بشر دوستانه مترقی و نوین خواهد درخشید و خلق افغانستان به پیروزی كامل دست خواهد یافت.

از (ص اول)

وزیر مالیه و نظام...

مالداران كوچك در دهات كشور بود، كه مجبور می‌گردیدند حتی از چند رأس حیوان اهلی محدود كه در واقع وسیله تولید و امرار معیشت شان را تشكیل می‌داد، مالیات مواشی بپردازند.

هنگامی‌كه اعتراضات شدید مردم در این مورد بالا گرفت، حكومت در سال ۱۳۴۵ نتوانست جرأت نماید تا به شكل واقعی آن مالیات مواشی را تنظیم و از مالداران بزرگ حصول نمایند. بنا بر آن غرض خوش آمد مالداران بزرگ صاحب نفوذ، به سادگی از این منبع عاید مستقیم دولت صرف نظر گردید و بگفته شاغلی وزیر مالیه »فعلاً حذف شده تلقی می‌گردد «اما سؤال می‌شود كه شاغلی ضیایی به صفت وزیر مالیه طور راضی می‌شود از این قلم عاید مستقیم به خاطر گل روی مالداران بزرگ و متنفذ صرف نظر گردد. از سال ۱۳۴۵ تاكنون چرا اقدامی در زمینه صورت نگرفته--.

جواب باز هم ساده است، به اینكه حكومت كه نمایندگی از منافع ثروتمندان، ملاكان و مالداران بزرگ می‌نماید، قدرت آن را ندارد دست به عملی بزند كه لطمه ولو جزئی به منافع آنان واردید.

وزیر مالیه: «از جمله عواید غیرمستقیم عواید گمركی كه مربوط به وضع تجارت خارجی مملكت است در سال‌های اخیر تزید قابل ملاحظه را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری دولت در مؤسسات بانك‌ها و تصدی‌های عام‌المنفعه و انتفاعی سبب به وجود

(ص ۴)

دلغمان خلک دبیگاری په منگولو کی

خو تنو کلیوالو دلغمان دعلینگاره دخلکو هغه شکایتونه مور ته لیکلی دی چه دسمی له خانانو، ملکانو او حکومت نه بی لری. دوی لیکلی دی:
«دلغمان حکومتی مقامونو او ورپسی محلی زورآورونو (خانانو-ملکانو) پر مور غریبو خلکو باندی دهرقسم بیگار (مالی -جانی) خساری، صرفه ندی کړی اونه بی کوی.»

په همدی دوره کی چه حکومتی مشران هره ورځ د دموکراسی او عدالت ناری وهی، هم هغه پخوانی بیگارونه لکه قانونی وظایف په مور اجرا کیږی. جسمی بیکار او اجباری کار خو لا پریږده چه ورسره عادی شوی یو، سخته دا ده چه مور دیوه وخت سوکړک ته حیران یو او دوی (حکومت-ملکان) په مونږ باندی دیسو بیگار جلوی. له څه ورځ-و را په دیخوا د برکوت پله دجوریدو بیگار حواله شویدی، څنګه بیگار؟
داسی بیگار چه یو ځ-و به داحصائی داساسی له رویه په (هر ځ-وان، زاړه، واړه، فراری مره او ناقل) باندی سری سرلس افغانی پری کیږی او په دی کی په عدالت رعایت هم کیږی، یعنی د وروری او برابری په اساس به په هروږی او ماړه باندی فقط همدا لس افغانی وی. بل دا چه، بیګار په تول دهمدی برابری (!) په اساس کالی او په دی کی پله ته دنیږدی خلکو اولری خلکو توپیر نشته. نو ځ-که مور د ولسوالی نه راښکته خلک لکه د (کټل، میدانی، بصرام، شلینګار، قصبه، بدیع آباد، کنبه، تینګور) اوسیدونکی چه دپله له ځ-ای نه پینځ-وس کیلو مترہ لری یو او په موترکی مو دتک راتک کرایه دهر نفر په سر دیرشو افغانیو ته رسیږی، په دی مکلف شوی یو چه دا بیګار وچلوو.
ځ-و ورځ-ی د مخه دهمدی بدمرغو بزرګانو یوه تنه راټوله شوی وه او دخپلی بدمرغی په باب یی خبری سره کولی، په مرکه کی دیر څه وویل شول چه دا ځ-و تکی یی دنمونی په توګه تاسو ته درلیکو، یوه سپین ږری بودا وویل: او خلکو تاسی شه وګوری پتی دوی واخیسته، ماموریت دوی واخیست، زمن ددوی مکتبیان شول، دکابل کورونه او دلغمان کلاوی ددوی شوی او بیګارونه په مور چلوی.
بل وویل: دخدای دپاره تاسو خوښه وګوری چه دویته مور سره څه کوی؟ کال چه غنم باد ووهل او اجاری رابانی واوښتی، دوی په هماغه خپل اجاره خط باندی هم له مور سره رفتار ونکړ. په اجازه خط کی خو شکاره لیکل شوی دی چه که افت سماوی نازل شو اجاره به ما تیږی او حاصل درینه برخه به پر ورکول کیږی. آیا دوی دی افت سماوی ته وکتل، او له خدایه ویره وریدا شوه؟ آیا د دوی په اجارو کی زمور دوربجو فصل او داولاد دخولی دودی لاره نشوه؟ آیا زمور غواګانی او غوایی د اجارو په تاوان کی خرڅ نشول؟ نو نور ځ-له کومه پیدا کړو چه په دی نوبو بیګارو کی بی ورکړو؟
خدای چه تللی نه یم او دوای په مخ کی می ځ-ان مړ کری نه وی. دا جزیه او دعیال نفقه زه زیاتی نشم پوره کولای.
یوه بل بزګر وویل: اخر څه به کوو، د خوراک دودی مو نشته او دوی بیګارونه را باندی حواله کوی؛ که حکومت دا حال وینی دغه زمورہ ملکان او خانان خو یی وینی.
بل سړی وویل: بلا ورپسی، که چیری دا زمور وطن زمور په هدوکو هم ابادشی- اباد دی شی. خو غم دا ده چه زمور دا هدو کی هم دغو څو تنو وخوړل او وطن ته څه ورونه رسیدل.
هغه د (کټل) د مکتب بیګاری خو به مو په یاد وی، د مکتب د جوریدو لپاره ۵۰ زره افغانی د بیت المال منظوری شوی او ۵۰ زره یی په مور باندی (ریزش) کړی. او دا دی تاسی یی پخپلو سترګو وینی چه دمکتب دیوال تر (۱/۵) متر زیات ندی لوړ شوی. زمور یوه خان چه ۱۸ زره افغانی یی مکتب ته ټولی کړی وی، ۶ زره یی حکومت ته ورکری او نور یی پخپله ګیده کی واچولی. داسی نران ملکان هم وو چه خدای که یی یو پول هم حکومت ته ورکری وی او ټولی یی پخپله وخوری.
خلکو همدا راز د خانانو او ملکانو د سواستفادی دیری خبری وکړی او زیات شکایتو نه یی بیان کړل. مور څو تنو دا موضوع تاسو ته ولیکله چه د خلکو په دردونو کی یی خپره کړی، او ددی مظلومو خلکو آواز نورو ته ورسوی.

گرانو لوستونکو او محترمو دوستانو!

ستاسو له خوانه پرله پسی مور ته، د پیغامونو او شکایتونو کاروان را روان دی، خو کله کله ستاسو محترمو دوستانو لیکنی، روښانه لاسلیک او واضح پته نلری، نو ځکه مور ته د دغو لیکنو په باب تر دد پیدا کیږی او نشو کولای چه هغه خپری کړو.
زمور غوښتنه ستاسو محترمو لوستونکو څخه دا ده چه تر خپلو لیکونکو لاندی په واضح نوګه خپل نوم او پته ولیکی او بیا که غواړی چه ستاسو مضمون په مخفف او یا مستعار نوم خپور شی هغه پخپلو لیکونو کی مور ته را معرفی کړی.

کارگران وطن‌پرستی که

فراموش خاطر والای قانون‌گذاران شده‌اند

یکی از کارگران که نام خود را شیر احمد نجرابی معرفی کرده، در مورد دفاع از کارگران اجیر نوشته است: »کارگران اجیر که بنام کارگران قرار دادی هم یاد می‌شوند، در مجموع خود تقریباً اکثریت کارگران وطن محبوب ما را تشکیل می‌دهند.

این‌ها اند که ماشین‌های بزرگ را بگردش می‌آورند، برمه‌ها را در دل بیابان‌ها فرو می‌برند، کوه‌ها را می‌شکافند، دریاها را مهار می‌کنند، سکوت دشت‌ها را می‌شکنند و آرزوی انسان هموطن را بر پدیده‌های طبیعت می‌قبولانند و این همه را به قیمت حیات و امنیت خود انجام می‌دهند و بسا که در این راه معیوب می‌شوند، صدمات جبران ناپذیر می‌بینند و حتی قربان می‌گردند.
در برابر این همه خدمتگزاری و سخاوت این کارگران از یکسو شرایط طبیعت بی‌رحم و از سوی دیگر درشتی و زشتی پیش آمد مأمورین و کارفرمایان، هر دو متحداً به جان این بیچارگان افتاده‌اند.
بدتر از این‌ها اینکه خاطر والای قانون‌گذار نیز از رویه ناجوانمردانه در مورد اینان دریغ نکرده است. قانون گذاران هرگز به فکر آن نیفتاده‌اند که اینان انسان‌اند. به غذای کافی، معاش لازم و در زمستان‌ها به تسخین ضرورت دارند، آنان به سرپناه محتاج‌اند و دوا می‌خواهند.
قانون‌گذار فراموش کرده است که وقتی این کارگران شور جوانی را در خدمت وطن و مردم بسر می‌رسانند، در ایام پیری به حقوق محتاجند. از آن جهت آنان را از حقوق تقاعد محروم کرده است گویا به حکم قانون‌گذاران باید این کارگران اصلاً به پیری نرسند و حتماً در جوانی بمیرند. وقتی کار یک پروژه به انجام می‌رسد و تعداد قلیلی از ایشان در پروژه‌های دیگر وارد کار می‌شوند، سه یا چهار درجه پایان‌تر از رتبه‌های مقرر می‌شوند که در پروژه اولی دارنده آن بودند.
اگر قانون گذاران هنگام عبور مغرورانه از جاده‌های بزرگ کشور به خاطر بیاورند که کدام گروه ایجاد این جاده را ممکن ساخت. اگر هنگام فرود آمدن طیارات شان در میدان‌ها فکر کنند که کی ها راه فرود آمدن این پیکرهای غرنده را هموار نمودند، کدام شب‌ها را در دل کوهستان‌ها به خاطر پیروزی کار بدون خواب به صبح بردند، چه کسانی زغال بخاری سالون‌های ایشان را از شرایین کوه بیرون میاورند و بالاخره کدام جماعت شاقه‌ترین وظایف را در راه اعمار وطن بدوش دارد، حتماً چنان غفلتی را در مورد کارگران روا نمی‌داشتند و خدمتگزاران را به فراموشی خاطر و چنگال فقر و بدبختی نمی‌سپردند.
کارگران اجیر بر قانون‌گذاران صورت می‌گیرد و هرگز به مدیریت و تسهیلات کار معلم در منطقه خودش اهمیتی نمی‌دهند.
مواد فوق که انعکاس دهنده برخی از مشکلات و خواست‌های مبرم و ضروری معلمان ولایات کشور است، گواه بارز این مدعا است که به حال این گروه زحمتکش و فدا کار اندکترین توجهی نمی‌شود؛ زیرا به روشنی معلوم است که اگر با حقوق و مشکلات آنان برخورد دموکراتیک و قانونی صورت گیرد، حل و تأمین آن قسماً در قانون اساسی دیگر قوانین مملکتی پیش‌بینی شده و قسمتی هم به توجه اولیای امور مربوط است و در موارد دیگر می‌تواند اقدامات مقدماتی آغاز شود.
اما این دیگر مسلم شده است که حتی تأمین همین حداقل خواست‌های معلمان شری ولی محروم معارف مملکت ممکن نیست، مگر آنکه اتحادیه دموکراتیک معلمان سرتاسر کشور، توسط خودشان به وجود آید و همه در یک صف متحد و آهنین برای احقاق حقوق پامال شده و تأمین یک زندگی آبرومند و شرایط بهتر آموزش و پرورش در کشور به‌صورت پیگیر مبارزه کنند.

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

سنگ کشان زحمتکش آب می‌خواهند

در جنوب شرق عاشقان و عارفان (مربوط ناحیه ۹) در زیر کوه شیر دروازه محله سنگ کشان کابل واقع گردیده است. این سنگ کشان که بیش از نصف تهذاب‌های کاخ‌های قصر نشینان کابل را با تحمل رنج‌های حوصله فرسا تهیه کرده‌اند و در بدل آن عمرها و جوانی‌های خود را از دست دادند، در بد تین شرایط زندگی بسر می‌برند. آن‌ها مجبور اند از خم و پیچ کوچه‌های شکسته و تنگ، از بین خانه‌های که در سراشیب کوه چون لانه‌های زنبور یک بر دیگر تکیه کردند، بگذرند و به خاطر حمل دو سطل آب ساعت‌ها وقت خود را صرف نمایند. در ایام دشوار زمستان و شرایط ناگوار موسمی حمل آب مورد ضرورت خاطرات و حوادث و فشاری ایجاد می‌کند. بسا که اطفال حامل آب با کوزه‌ها و ظروف لغزیده و جراحت برداشته‌اند. حمل آب اکنون در محله سنگ کشان خاصتاً برای خانواده‌های که در آن‌ها پیران، زنان و اطفال در کار آب رسانی جان کنی دارند، واقعیت درد انگیزی است.
مردم زحمتکش این محله که تا کنون بارها به خاطر آب آشامیدنی به شاروالی روی اردهاند و نتیجه‌یی نگرفته‌اند، جداً بر اعمال و فروگذاشت شاروالی اعتراض نموده و فریاد برمی‌دارند که: **آب، آب، آب**
پرچم مطالبه زحمتکشان سنگ شکن را جداً تایید نموده و جداً تقاضا می‌کند که هر چه زودتر نل آب آشامیدنی به محله سنگ کشان کابل واقع ناحیه ۹ تمدید گردد.

په موسی کلاکی له یوه معلم سره

د خانانو بی حرمتی او د ولسوال رفیقانه (!) سکوت

شاغلی عبدالقیوم زیارمل له لشکرګاه نه د پرچم په عنوان لیکی دی: «.. یو خان زوی، دموسی کلا دمنځ-نی ښوونځ-ی زده کونکی چه ددی سیمی دیوی ستری او معتبری کورنی غړی دی، د دې په رسمی وخت کی له یوه سړی سره په دکان کی ناست و، ناڅ-اپی یو معلم چه ښوونځ-ی ته تلونکی و، را پیدا شو او په دی زده کونکی یی سترګی ولګیدی. له هغه نه یی غوشتنه وکړه چه شونځ-ی ته لار شی، مګر ده ونه منله او له معلم سره لفظی مشاجره شروع کړه. معلم خپله لاره ونیوه لار.
کله چی معلم ماسپښین ستری ستومانه خپلی کوټی ته راغی نو د زده کونکی دکورنی خانان پسی پیدا شول او خپلو نوکرانو او ناظرانو ته یی په معلم باندی د حملی او وهلو امر ورکړ. په پای کی بی له غریبګوتی معلم نه تولی جامی وایستی، متبی یی وروترلی او لوخ یی په بازار کی وګرزاوه.
کله چی دښوونځ-ی شاګردان د خانانو په دی شهکاری خبر شول مخامخ د ولسوال (حاکم) کورته ورغلل. ولسوال له همدی پیښی نه چه تول خلک یی خووو، ځ-ان بی خبره وشود او وعده یی ورکړه چه خانان په دخپل عمل سزا ته ورسوی. سبا ته معلومه شوه چه ولسوال صاحب، د مظلومو خانانو د تسل لپاره، معلم بندی کریدی او خپله وجدانی وظیفه یی سرته رسولی ده.
دشاګردانو د جدی غوښتنی په اثر هغه غریبګوتی معلم دوه ورځ-ی وروسته له بند څخه را خلاص شو.
همدا اوس چه دغه کرښی لیکم، په خلکو کی اوازه ده چه خانان دهلمند ولایت ته راغلی دی او غواړی چه داپیشه دسل هاوو نورو پیشو په خبر تر خاورو لاندی کری.
ولسوال صاحب هم رفیقانه سکوت کریدی او د خپلی بقا او ګټی پر معیار عمل کوی.»
پرچم: دا دهیواد دفیوداليزم، هغه ژوندی مظاهر دی چی تل بی په افغانستان کی د نوی معارف د نهضتونو مخه نیولی ده اولاتر اوسه هم د حاکمه محافلو له خوا حمایه کیږی.

تاکسی دریوران بر رفتار ترافیک کابل

اعتراض می‌کنند

به تاریخ ۲۲ دلو یک عده از نمایندگان تاکسی دریوران زحمتکش وطن ما به اداره پرچم آمدند و شکایت زیرین را جهت نشر به جریده سپردند:
»از چندیست که مدیریت ترافیک کابل، بدون اعلان و یا ابلاغیه رسمی در جراید و رادیو، بیش از هزار تکسی درایور را مزاحم شده. برای آنکه از طرف شب میان موترهای تکسی و شخصی فرق و تفاوتی شود، ما چراغ‌های مخصوصی را با اجرت و لین دوانی و غیره به قیمت بیش از چهار صد افغانی توسط شرکت سرویس در موترهای ما نصب می‌نمایند.
تا جایی که معلوم است این چراغ‌ها قبلاً توسط تاجران دلال تهیه شده و اکنون به‌صورت جبری بر ما می‌فروشند.
ما تاکسی درایوران که در پرزه‌های دولتی و انفرادی کاری نیافته، ناچار با هزار رنج و خواری، با اقساط طولانی و مبالغ گزاف تکسی هایی را خریداری کرده، شب و روز در خدمت همشهریان ایستاده‌ایم، باز هم علاوه بر عوارض دیگر و تکس ترافیک، روزی نیست که اداره ترافیک کابل یک مزاحمت جدیدی برای ما پیدا نکند. ما به ترافیک میگویم که چرا خودتان این چراغ‌ها را وارد نکردید و به قیمت تمام شد و یا به نفع کم آن را در اختیار تاکسی درایوران قرار ندادید؟ چرا به مؤسسات داخلی که می‌توانند نوع بهتر این چراغ‌ها را به قیمت ارزان‌تر بسازند موقع داده نمی‌شود؟ چرا اجازه می‌دهید که دسترنج ما را، آن دیگران به جیب خود بیندازند و میلیون‌های آنان ملیاردها شود؟ ما بر این وضع اعتراض می‌کنیم و تغیر این وضعیت را می‌خواهیم.»
(حمل امضای ۵۴ درایور)

از (ص ۱)

شرایط زندگی و کار ...

و نه محلی برای رهایش آنان تهیه دیده می‌شود.
ـ معاش مسلکی آن‌ها سال‌ها قبل یک بر سه حصه معاش اصلی سنجیده شده، اما اکنون که قیمت‌ها چندین بار بلند رفته، در مورد حفظ تناسب و ازدیاد آن متناسب به نرخ‌های موجود، کوچکترین توجهی به عمل نمی‌آید.
ــ معلمان در ولایات و در منطقه کارشان از هیچگونه حقوق کوپراتیف و کوپون استفاده کرده نمی‌توانند و هم مبلغ پنجاه افغانی که به‌عنوان غلگی به عوض قیمت ۵ سیر گندم (مطابق نرخ ده‌ها سال قبل) به ایشان تأدیه می‌گردد، اکنون بنا بر بلند رفتن قیمت‌ها حتی برای خریداری دو سیر گندم هم کفایت نمی‌کند.
ـ اگر یکی از معلمان بنا بر اشتباهی حتی به یک روزه کسر معاش محکوم شود، خلاف قانون. ترفیع و تقاعد مأمورین ملکی، از یک رتبه ترفیع محروم می‌گردد.
ــ فارغان صنوف ۱۲ و لیسانسه‌ها باآنکه در دوره‌های تحصیلی خویش به‌قدر کافی و به سویه‌های عالی لسان پشتو را فراه می‌گیرند و نمره کامیابی حاصل می‌کنند، باز هم باید در کورس‌های اکابر پشتو نزد معلمان که به‌مراتب سویه آن‌ها حتی از شاگردان شان هم پایین‌تر است، بخوانند. در حالی که لازم است در خور سویه آن‌ها کورس‌های عالی‌تر و معلمان لایق‌تر تهیه شود؛ و همچنان هیچکس حاضر نمی‌شود برای بلند بردن سویه علمی و مسلکی معلمان بکلوریا پاس در ولایات، به تأسیس کورس‌های به سویه صنوف ۱۳ و ۱۴ اقدام کند و یا لااقل کورس‌های موجود مرکز را به غرض استفاده عده بیشتری معلمان انکشاف دهد.
ــ به فارغان دوره متوسط اصول تحریر و دارالمعلمین سابقه معاش امتیازی داده می‌شود و اما سایر فارغان صنوف نهم قطعاً معاش امتیازی ندارند، در حالی که باید دسته اخیرالذکر نیز از این امتیاز برخوردار باشد.
ــ تبدیلی معلمان از یک منطقه به منطقه دیگر به‌صورت جبری و ملاحظات خاص و مشخص سیاسی

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپروونکی

۲۷ دلو ۱۳۴۷

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

اعلامیه وزارت داخله جمهوریت دموکراتیک المان

وزارت داخله جمهوری المان اعلامیه نشر کرده و در آن گفته است که تا یاد داشت ثانی به نمایندگان اسامبله فدرال و همچنان به مستخدمین اسامبله فدرال المان غرب که قرار است در برلین غربی تشکیل جلسه بدهد، اجازه عبور از خاک المان شرقی داده نخواهد شد. هکذا در اعلامیه گفته شده است که به مواد کار آمد اسامبله فدرال المان غرب نیز اجازه حمل و نقل از طریق جمهوری دموکراتیک المان داده نخواهد شد.

همچنان در اعلامیه علاوه شده است که تا یاد داشت ثانی به جنرالان و منصبداران اردوی المان غرب، به اعضای ارگان حزب عمومی المان غرب اجازه داده نمی‌شود از خاک المان شرق به برلین غرب عبور و مرور نمایند.

به اشتراک کنندگان در اسامبله مجوزه فدرال در برلین غربی و مستخدمین آن، دخول به پایتخت المان شرق ممنوع قرار داده شده است.

در ابلاغیه منتشره از دفتر مطبوعاتی صدر اعظم گفته می‌شود که: حکومت المان شرق به وزیر داخله آن کشور صلاحیت داده است تا مقررات ۱۰ مارچ و الی ۱۳ اپریل ۱۹۶۸ راجع به حفظ جمهوریت دموکراتیک المان و شهریان آن در برابر نیونازی‌های المان غرب و برلین غربی را پیوسته مورد تطبیق قرار دهد. از عبور وزرا و دیگر مأمورین عالی رتبه المان غرب از طریق المان شرق جلوگیری نمایند و در این باره تدابیر مزید اتخاذ کنند.

با تأکید گفته شده است که حکومت المان غرب مسؤولیت کامل عواقب اعمال خود را که با حقوق بین‌الدول متضاد است به عهده دارد.

از اعلامیه مشترک اتحاد شوروی و جمهوری یمن جنوبی

در اعلامیه مشترکی که در ختم بازدید رسمی قحطانالشعبی ریس جمهور جمهوریت مردم یمن جنوبی در اتحاد شوروی نشر گردیده، گفته شده است که، اتحاد شوروی آمادگی خود را برای دادن کمک اقتصادی و فرهنگی و تقویه ظرفیت دفاعی جمهوریت مردم یمن جنوبی اظهار داشته است.

جانب شوروی اعلام نموده که به پشتیبانی اکید خود از مبارزه عادلانه اعراب در راه از بین بردن آثار تجاوز اسرائیل به خاطر عقب کشیدن قوای نظامی اسرائیل از سرزمین‌های عرب در آینده نیز ادامه خواهد داد.

حکومت اتحاد شوروی، حکومت جمهوریت مردم یمن جنوبی را از اقدامات جدید راجع به حل پرابلم شرق میانه اطلاع داده است. جانبین گفته‌اند باید تحکیم صلح در منطقه شرق میانه بر اساس احترام به حقوق مشروع ملل عرب، به شمول اعراب فلسطین صورت گیرد. طرفین سیاست جدید استعماری قوای امپریالیستی را در آسیا، افریقا و امریکای لاتین قویاً محکوم نمودند و پشتیبانی‌شان را از مبارزه عادلانه خلق‌ها به خاطر امحای کامل سیستم استعماری و استقلال، بیان نمودند.

اتحاد شوروی و جمهوریت مردم یمن جنوبی همبستگی برادروارشان را با مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام اظهار کردند.

جانبین عقیده دارند که قطع بمباران بر سرزمین جمهوری دموکراتیک ویتنام و کنفرانس چهار جانبه که با اشتراک نمایندگان جبهه آزادی بخش ویتنام جنوبی در پاریس افتتاح گردید، پیروزی بزرگ خلق ویتنام، تمام بشریت صلح دوست، و شکست امپریالیزم امریکایی و امپریالیزم بین‌المللی محسوب می‌گردد.

هر دو طرف سیاست صلح‌جویانه را که جمهوری دموکراتیک المان تعقیب می‌نمایند و کمکی را که به خلق عرب به خاطر از بین بردن آثار تجاوزکارانه‌اش در شرق عربی تشویق می‌نماید، محکوم می‌کنند.

جمهوریت مردم یمن جنوبی پشتیبانی جدی خود را از اعمال اتحاد شوروی و دیگر دول سوسیالیستی به‌منظور حفظ صلح و تأمین امنیت در اروپا و دفاع از دول سوسیالیستی اروپایی در برابر هر نوع تجاوز امپریالیستی بیان نمود.

هر دو طرف عقیده دارند که به تعقیب معاهده منع انتشار سلاح ذروی، باید گام‌های تازه به‌سوی تحدید مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح برداشته شود.

جنگ‌های ویتنام و کنفرانس پاریس

جنگ و خون ریزی در ویتنام جنوبی بشدت ادامه دارد. نیروهای جبهه آزادی‌بخش ملی دامنه جنگ را تا حوالی سیگون و حتی بعضاً تا داخل شهر سیگون کشانده‌اند. پایگاه‌های نظامی و میدان‌های هوای امریکا و رژیم سیگون را با راکت و هاوان مورد حمله قرار می‌دهند. در این زد و خورد ها تلفات سنگین مالی و جان بر امریکای ها و عساکر سیگون وارد می‌شود.

در ماه جنوری تنها در ایالت ژانیلا ۱۱ عدد طیاره، چه در هوا چه در زمین محو گردید، ۱۲ عدد کشتی تباه و مقدار زیاد اسلحه تجهیزات نظامی به دست نیروهای آزادیخواه ملی افتاد.

نیروهای امریکا در شمال غرب سیگون در برابر فشار نیروهای جبهه آزادی ملی عقب نشینی کردند و در نبردهای اطراف سیگون در حدود ۵۰۰ امریکایی به قتل رسید. در ویتنام شمالی با سقوط دادن آخرین طیاره اکتشافی امریکا، تعداد طیارات سقوط داده شده بر ویتنام شمالی ۳۲۶۲ عدد بالغ گردید.

در کنفرانس پاریس نیز کدام پیشرفت محسوس به عمل نیامده است. نطاق جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی گفت که امریکا در راه موقعیت کنفرانس موانع ایجاد می‌نماید. تا زمانی که امریکا این روش خود را اصلاح نکند کامیابی کنفرانس ناممکن است.

وقتی‌که با اعتراف ایوریل هریمن سابق رییس هیأت امریکا در کنفرانس پاریس هم ویتنام شمالی و هم جبهه آزادی ملی خواهان صلح می‌باشند هر نوع مشکل تراشی در راه پیروزی کنفرانس نشان می‌دهد که این امریکاست که صلح نمی‌خواهد.

نبرد عادلانه خلق‌های عرب علیه اسرائیل وسعت میابد

جنگ‌های آزادی بخش ملی مبارزین الفتح قهرمانانه و به شدت علیه اشغالگران اسرائیل ادامه دارد و هر روز در عملیات مختلف جنگی تلفات سنگین مالی و جانی به متجاوزین وارد میاورند.

موج تظاهرات علیه موجودیت نیروهای اسرائیل در مناطق تحت اشغال در اردن، فلسطین و غزه اوج می‌گیرد. در منطقه غزه یک مظاهره بزرگ ۲۰۰۰ نفری صورت گرفت. مظاهره کننده گان علیه اسرائیل شعار می‌دادند. مقامات اسرائیل ۱۳ نفر را زندانی کردند.

زنان اردنی در شهر عمان در مقابل نمایندگی‌های خارجی به مظاهره پرداختند. آن‌ها تقاضا می‌نمودند که در برابر آوارگان فلسطین از شیوه انسانی کار گرفته شود. همچنان باشندگان شهر نابلوس به تظاهرات شدید علیه اشغالگران اسرائیل ادامه می‌دهند. در بیت‌المقدس نیز تظاهراتی صورت گرفت. در اثر فیر پولیس یک طفل عرب کشته شد. در غرب دریای اردن نیز تظاهرات اعتراض آمیز علیه اسرائیل صورت گرفت و ده‌ها نفر زندانی شد.

موج نهضت ضد امپریالیستی در ترکیه

محصلین ترکیه مسافت «حسن نیت» کشتی‌های امریکا را به بنادر ترکیه شدیداً مورد اعتراض قرار دادند. ایشان طی اعلامیه از تمام مرم ترکیه تقاضا کردند که ورود کشتی‌های امریکایی را به سواحل ترکیه با تظاهرات اعتراضیه خود استقبال نمایند. در اعلامیه محصلین گفته شده است که: امپریالیزم امریکا دشمن خلق ترکیه است، کشتی‌های امریکا کشتی‌های جنگی و متجاوز است.

مردم استانبول بنا به در خواست محصلین ترکیه با مظاهرات و اعتصابات از این کشتی‌ها استقبال کردند. تعداد زیاد پولیس بندر استانبول را محاصره نمودند و باوجود ترتیبات شدید امنیتی، محصلین هزاران ورق ضد امریکایی را پخش نمودند. در این اوراق گفته شده که: «امریکایی‌ها دور شوید.» «کشتی‌های امریکایی کشتی‌های جنگی است.»

روزنامه اقشام چاپ استانبول می‌نویسد: «چرا ۴۰۰۰ عسکر امریکایی در این کشتی‌ها در بنادر ترکیه لنگر انداخته‌اند؟»

قرار معلوم ۱۷۶ سازمان کارگری پشتیبانی خود را از محصلین ترکیه اعلان و جراید ملی این مسافرت را تقبیح کردند.

قرار اطلاع تظاهر کنندگان بیرق امریکا را پاره کردند و تصادماتی بین عده از عساکر امریکایی و مظاهرچیان رخداد. جراید امریکا نسبت این تظاهرات ضد امریکایی که سابقه نداشت، ابراز نگرانی نمودند.

دست سی.آی.ای. در تعرض اسرائیل بر میدان هوائی بیروت

روزنامه المحرر چاپ لبنان می‌نویسد: در این اواخر اسنادی انتشار یافته که بر اساس آن تمام نقشه و ترتیبات حمله هلیکوپترهای اسرائیلی بالای میدان هوای بیروت، توسط اداره جاسوسی سیا (سی.آی.ای. امریکای) ترتیب شده بود و مأمورین این اداره که تعدادشان در میدان هوای بیروت خیلی زیاد می‌باشد، با اسرائیلی‌ها کمک‌های فوق‌العاده نموده بودند. به این معنی که ما مأمورین اداره »سیا «به اسرائیلی‌ها اطلاع داده بودند که در فلان وقت معین تعداد زیاد از طیارات لبنانی در میدان هوایی بیروت توقف می‌نماید. قرار اطلاع دیگر از فعال‌ترین مأموران دارد.

از (ص اول)

بانک جهانی از کشور بینوای ما ...

»پلان مارشال «تخصیص می‌داد. اکنون تمام سعی مجاهدت خود را متوجه بازگرداندن کشورهای جوان و بی‌طرف آسیا و افریقا به راه سرمایه‌داری و دوام سیاست اقتصادی کشورهای هوادار غرب می‌سازد. چنانکه در سال ۶۷-۱۹۶۶ بانک کریدت‌های را به میزان ۸۷۷ ملیون دالر به شمول ۳۴۷ ملیون به کشورهای آسیایی، ۲۸۲ ملیون به کشورهای امریکا لاتین و ۱۰۶ ملیون دالر به کشورهای افریقای اعطا کرد. از این جمله کریدت‌های بزرگ به کشورهای مشی ایالات متحده امریکا را تعقیب می‌کنند، داده شد: برازیل ۱۰۱ ملیون دالر، چلی ۶۰ ملیون دالر، مالیزیا ۴۷ ملیون دالر و فلیپین ۳۷ ملیون دالر دریافت داشتند.

به‌منظور روشن شدن اذهان هموطنان در مورد »کمک‌های «احتمالی بانک بین‌المللی به افغانستان و شناخت آن، مختصراً در باره ماهیت واقعی، کریدت ها و شرایط تأدیه قرضه‌های این بانک در اینجا تذکراتی به عمل میاید.

بانک بین‌المللی عمران مجدد و انکشاف در سال ۱۹۴۴ تأسیس گردید و اکنون دارای ۱۰۷ عضو می‌باشد (کشورهای سوسیالیستی در آن عضویت ندارند) که از سرمایه جمع شده اعضای به کشورهای عضو قرضه می‌دهد. در اخیر سال ۱۹۶۷ مجموعه سرمایه پرداخت شده آن ۲۳۰۰ ملیون دالر بود. **این بانک یکی از مؤسسات عمده مالی بین‌المللی است که در واقعیت امر به حیث وسیله پیشبرد سیاست استعماری نوین توسط نیروهای امپریالیستی استعمال می‌گردد.**

بانک بین‌المللی گرچه توسط یک هیأت کورتران که در آن رسماً تمام دول عضو اشتراک می‌نمایند، اداره می‌شود؛ اما در واقع تمام پست‌های مهم و کلیدی آن در دست کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و در رأس آن ایالات متحده امریکا قرار دارد و ریس آن معمولاً امریکای می‌باشد (فعلاً مکنامارا وزیر دفاع امریکا). سهم عمده در سرمایه بانک نیز متعلق به این کشورهاست: ایالات متحده امریکا ۶۳۵ ملیون دالر، انگلستان ۲۶۰ ملیون دالر، جمهوریت اتحادی المان ۱۲۸ ملیون و فرانسه ۱۰۵ ملیون دالر.

بدین جهت کشورهای امپریالیستی این بانک را تابع منافع سرمایه انحصاری خویش گردانیده‌اند. گرچه این بانک اسماً یک موسسه بین‌المللی می‌باشد که در تحت سپر و حمایت ملل متحد فعالیت می‌نماید؛ اما کشورهای دیگر عضو نتنها نقشی در آن ندارند، بلکه از این طریق توسط کشورهای امپریالیستی استثمار می‌شوند.

به غرض داشتن تصویری در مورد »دام مالی «که در آن کشورهای عضو کم رشد گیر افتاده‌اند، کافی خواهد بود تذکر گردد که در اخیر سال ۱۹۶۷ قروض این کشورها از بانک بین‌المللی به ۳۴۰۰ ملیون دالر رسیده بود. بانک تحت قیود و شرایط به‌طور مثال اینست که کشور دریافت کننده پول را برای خریداری اموال از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و عمدتاً ایالات متحده امریکا بکار برد، با استفاده از این شرط کشور فروشنده قیمت اموال را بلند کرده و کشور دریافت کننده از ناحیه اسعار خارجه زیان بزرگ را متحمل می‌گردد. در چند سال گذشته بانک نرخ سود را به ۵/۶ فیصد بالا برده است که کشورهای کم رشد قسمت زیاد ذخایر پولی خود را به‌عنوان سود می‌پردازند. در سال مالی ۶۷-۱۹۶۶ کشورهای کم رشد قسمت زیاد یا بیشتر از دو ثلث مجموع کریدتی را که در عین سال اخذ کرده‌اند، به بانک پرداخته‌اند.

از آنجایی که دارای بانک بین‌المللی بالنسبه کوچک می‌باشد، بنا بر آن مجبور است که از انحصارات بانکی بزرگ قرضه بگیرد. چنانچه قروض آن از این بانک‌ها در اخیر سال ۱۹۶۷ ۳۴۰۰ ملیون دالر (بیشتر از مجموع سرمایه به خود آن) بالغ می‌گردید که این امر یکبار دیگر به وضاحت نشان می‌دهد که امر کارفرمای واقعی بانک کیست و منافع چه کسانی را بانک بین‌المللی به‌پیش می‌برد.

سرمایه مالی بین‌المللی، بانک را به موسسه‌یی مبدل کرده است که جریان سرمایه گذاری‌های خصوصی را به کشورهای کم رشد تحریک و تسهیل می‌نماید زیرا این بانک در صورتی حاضر به تأدیه کریدت می‌باشد که یک کشور آن را به عین شرایط از منابع خصوصی به دست آورده نتواند. فعالیت‌های یکی از مؤسسات اختصاصی آن – کورپراسیون مالی بین‌المللی – تابع عین هدف می‌باشد، و علاوتاً حق خریداری اسهام منفعت آور را در کشورهای کم رشد نیز دارد.

بانک بین‌المللی غالباً در امور داخلی کشورهای عضو مداخله می‌نماید. به‌طور مثال درخواست جمهوریت عربی متحد را برای گرفتن قرضه به جهت ساختمان سد عالی اسوان رد کرد و اعطای قرضیه را به کشورهای که جلو رشد همه جانبه و خود سری‌های تشبثات خصوصی را گرفته‌اند، متوقف ساخت.

بدین‌جهت بانک بین‌المللی توسط نمایندگان کشورهای کم رشد در دومین کنفرانس ملل متحد راجع به تجارت و انکشاف، منعقده دهلی در فبروری و مارچ سال گذشته شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت.

آن‌ها اظهار داشتند که بانک به یک وسیله مداخله در امور داخلی کشورهای جوان مبدل گردیده است و شرایط اعطای قرضه‌های آن اسارت آور می‌باشد.

چنین است که ماهیت واقعی و طرز فعالیت‌های بانک جهانی که مختصری از آن تذکر به عمل آمد؛ اما باید دید اکنون که هیأت »مشغول مطالعه « وضع فعلی اقتصادی کشور ما می‌باشد، از وطن بینوای ما افغانستان فقیر و عقب مانده چه می‌خواهد ببلعد.

معلوم است تذکرات متعددی که در صفحات کتاب پلان پنجساله سوم در اثر نفوذ »مشاورین اقتصادی « امریکایی و المانی و نسخه تجدید نظر شده آن توسط گروپ مشاورین امریکایی و وزارت پلان در مورد تقویه تشبثات خصوصی، به عمل آمده است و توسط بلند گویان و هواداران آن در زمینه تبلیغات زیادی صورت می‌گیرد- توجه بانک بین‌المللی را در امر کمک به انکشاف اقتصادی (!) افغانستان جلب کرده است، تأیید شود که چه نوع کریدتی را برای کدام منظور، به کدام شرایط اعطا (!) خواهد کرد.

از (ص دوم)

وزیر مالیه و نظام مالیاتی

آمدن منابع عایداتی دیگری برای دولت بوده است.»

پرچم: وقتی‌که حکومت نتواند و نخواهد از طریق مالیات مستقیم عوایدی به دست آورد، راه ساده حصول عاید، مالیات غیرمستقیم است؛ که می‌توان آن را با استفاده بی‌خبری مردم که مالیه دهندگان واقعی‌اند، حاصل کرد.

تزید قابل ملاحظه در میزان مالیات غیرمستقیم از یک سال تا سال دیگر خود درجه روز افزون فشار مالی را بر خلق کشور نشان می‌دهد و نمایندگی از پالیسی نادرست مالی حکومت می‌کند.

هنگامی‌که شاغلی وزیر مالیه اعتراف می‌نماید و ثابت است که از طریق سرمایه گذاری‌های دولت منابع عایداتی مطمین برای دولت به وجود میاید. پس چرا در برابر رشد سکتور دولتی اقتصاد به شکل توطیه آمیزی از طرف حکومت زمینه نقب گزاری راهم می‌گردد و در برابر مؤسسات مفید عامه علاوه بر سو استفاده‌های بزرگ و اختلاس‌ها، عمداً کار شکنی می‌شود. جواب روشن است، هیأت حاکمه کشور در اثر پیوند منافع که با ملاکان و تاجران بزرگ دارد، و از منافع آنان نمایندگی می‌نماید و بنا بر تابعیت از سیاست استعمار نوین امپریالیستی در برابر تقویه مؤسسات اقتصادی دولتی، نه تنها توطیه آمیز عمل می‌نماید، بلکه این مؤسسات به نفع ثروتمندان بخصوص بورژوازی تجارتی مورد استعمال قرار می‌گیرند.

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

د یوه ګنی بیه: ۲/۵ افغانی

(مطبعه دولتی)

تایپ متن مارینا یارمل و ویرایش جدید: عمر فیض